

موشک بالستیک، سرهنگ آمریکایی و ده‌ها مزدور را به هلاکت رساند

## روزگار سیاه‌بلک‌واتر در یمن

صفحه ۱۵

## هوای پایتخت دوباره ناسالم شد

صفحه ۴

دوشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۴ | ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۲۷ | اول فوریه ۲۰۱۶ | سال هشتم | شماره ۱۸۱۱ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

# وطن امروز

تقلای اردوغان برای دیدار با پوتین

## وضع هشدار نارنجی در ترکیه

صفحه ۱۵

## آغاز جشنواره ۳۴ فیلم فجر

صفحه ۱۳

سالروز ورود تاریخی حضرت امام خمینی به میهن اسلامی و آغاز ایام الله دهه فجر را گرامی می‌داریم

### تیتراژهای امروز

انتقاد نمایندگان مجلس از سکوت مجلس در قبال قراردادهای IPC و ضرب و شتم دانشجویان در مقابل وزارت نفت

## انتظار می‌رفت...



صفحه ۲

رئیس کمیسیون تلفیق بر نامه ششم توسعه:

## روحانی گفته

به «برنامه»

## اعتقادی ندارم!

صفحه ۱۶

یک مقام سازمان غذا و دارو اعلام کرد

## نگرانی از ورود

## محصولات ترار یخته

صفحه ۴

داعش مسؤولیت عملیات تروریستی دیروز دمشق را برعهده گرفت

## ۵۰ شهید در

## انفجارهای زینبیه

صفحه ۱۵

### روزنه

## نقش من: واردات بنزین!

مهدی جابری

نقش من در حفظ هوای پاک چیست؟ این شعر و ستوال به تازگی از سوی یک سازمان دولتی در حوزه محیط‌زیست مطرح شده است تا مردم به مشارکت در حفاظت محیط‌زیست تشویق شوند.

اما مقامات دولتی حوزه محیط‌زیست پیش از طرح این شعرها باید نقش و سهم خود را در ایجاد هوای ناپاک مشخص کنند! چرا که اگر شعاردهنده به حرف‌های خویش اعتقاد قلبی نداشته باشد، نمی‌تواند شنونده را با خود همراه کند و برای او ژست سبزاندیشی و حفاظت از محیط‌زیست بگیرد.

تهران در ۲ سال گذشته آلوده‌ترین و ناسالم‌ترین روزها را تجربه کرده است و هرچند برخی مقامات دولت یازدهم ادعاهایی درباره حذف بنزین‌هایی که آنها آلوده می‌خوانند داشتند اما هنوز مشخص نشده چرا با این بار بنزین‌ها بر شدت آلودگی هوا افزوده شده است!

افرادی که مدعی راستگویی هستند، هیچ‌سندی برای اثبات ادعاهای خود درباره آلودگی بنزین‌های تولید داخل و پاک بودن بنزین‌های وارداتی ارائه ندهاند. از شهریور ۱۳۹۲ که شایعه سرطازن بودن بنزین داخلی به طور گسترده در جامعه منتشر شد تا امروز حتی یک برگ سند قانع‌کننده در این باره به مردم ارائه نشده است. همچنین مدیران راستگو بدترین دروغ‌های تاریخ محیط‌زیست را بر زبان جاری کردند تا بتوانند بی‌کیفیت‌ترین و بدترین نوع بنزین را وارد کشور کنند.

شرکت‌های به‌ظاهر خارجی دقیقاً در زمان مدیریت راستگویان اقدام به واردات بنزین کردند و بعد مشخص شد بسیاری از آنها ایرانی هستند! از جمله شرکت‌های «الف-ک-الف»، «پ-ر»، «پ-الف-گ» و «س-ن» که محموله‌های ۲۷۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه‌ای بی‌کیفیت و سرطازنای خود را ۶ تا ۹ دلار بیش از نرخ فوب خلیج‌فارس و فوب مدیترانه به ایران می‌فروختند تا دل ما خوش باشد که در حال واردات بنزین هستیم تا هوای شهرهای ما پاک شود.

مدیران راستگو همچنین به گفته سیدمهدی موسوی‌نژاد، عضو کمیسیون انرژی مجلس، بنزین مورد نیاز کشور را از شرکت‌هایی خریداری می‌کردند که در آلمان و امارات ثبت شده بودند اما در اصل ایرانی هستند! این شرکت‌ها نفتی سبک و سنگین ایران را به امارات می‌برند و ترکیب می‌کردند و دوباره به ایران می‌فروختند! ادامه در صفحه ۵

### نگاه امروز

۱- از آغاز انقلاب اسلامی میان بخشی از نیروهای انقلاب

تفاوتی در تعریف «اسلامی» بودن حکومت اسلامی مشاهده شد که طی آن گروهی به الگوی «روحانیت‌سالاری» نظر داشتند و اکثریتی به پیروی از امام خمینی(ره) به الگوی «ولایت‌فقیه» معتقد بودند. این ۲ برداشت از حکومت اسلامی به‌رغم برخی شباهت‌های ظاهری تفاوت ماهوی و عینی روشنی دارد که در این نوشتار در پی تحلیل برخی از آنها هستیم.

۲- نظام سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی با مشارکت ۹۸ درصد ایرانیان و با رأی اکثریت ۹۹ درصد آنان «جمهوری اسلامی» تعیین شد. در تحلیل مفهوم رکن «جمهوریت» - که محل بحث این نوشتار نیست- تعریف ابتدایی و مقبول همه آن است که این حکومت مبتنی بر آرای مردم است و مردم در تعیین حاکمان خود نقش دارند اما در تحلیل مفهوم «اسلامی» - که موضوع بحث این یادداشت است- دست‌کم ۲ گروه ۲ برداشت متفاوت به نحوی که عنوان شد از آن داشتند.

۳- در تدوین قانون اساسی که در تاریخ ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به تصویب بیست‌و‌نُه درصد شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی رسید، اندیشه ولایت‌فقیه که مورد تأیید امام خمینی(ره) بود به اصل و الگوی جمهوری اسلامی تبدیل شد و بدین ترتیب الگوها و اندیشه‌های دیگر از سوی مردم و رهبر انقلاب به حاشیه رانده شدند.

۴- از آن پس معتقدان به الگوی روحانیت‌سالاری تلاشی کردند در درون نظام ولایت‌فقیه فعالیت‌های خود را ادامه دهند اما در مقاطعی که روی می‌دهد تفسیر و رویه خود را در امور وارد سازند. نقطه عطف این رویکرد بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ یعنی در دوران سازندگی اتفاق افتاد. در این دوران یک طبقه ممتاز جدید در تاریخ انقلاب با پشتوانه سیاست‌های «تعدیل اقتصادی» و «کسب منافع اقتصادی» به خود رسمیت بخشید و الیگارشی را با پیوند میان قدرت اقتصادی و سیاسی در برخی خاندان‌ها پدید آورد.

۵- در تعریف این ۲ الگوی سیاسی می‌توان از رویکرد مهم استفاده کرد: ۱- تعریف انتزاعی و ۲- تعریف انضمامی. تعریف انتزاعی زمانی رخ می‌دهد که ما هر کدام از این اندیشه‌ها و الگوها را براساس تعاریفی که نظریه‌پردازان آنها ارائه می‌دهند تعریف کنیم. مثلاً ببینیم که امام خمینی(ره) در کتاب ولایت‌فقیه چه تعریفی از این حکومت و الگوی حکومتی ولایت‌فقیه ارائه می‌دهد. اما تعریف انضمامی زمانی اتفاق می‌افتد که ما بیش از آنکه به اندیشه‌ها و تعاریف آرمانی مراجعه کنیم به عینیات و آنچه رخ داده است یا تبلور خواهد یافت مراجعه کنیم. از این جهت تعریف انضمامی را می‌توان

## تحلیلی بر تفاوت ۲ الگوی سیاسی روحانیت‌سالاری و ولایت‌فقیه

کامیل احمدی

تعریف رئالیستی هم دانست، زیرا براساس آنچه رخ داده است دست‌به‌تعریف مفاهیم می‌برد نه براساس آرمان‌ها و آنچه در عالم فلسفه سیاسی مطلوب است. در مقایسه این ۲ مفهوم نیز باید به مرز این ۲ تعریف دقت داشت و نگران آن بود که اولاً این ۲ تعریف با هم خلط نشوند و ثانیاً در زمان مقایسه، تعاریف انتزاعی با هم و تعاریف انضمامی نیز با هم مقایسه شوند.

۶- الگوی ولایت‌فقیه امروز به طور مشخص مبتنی بر نظرات امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای است. با توجه به این نکته باید گفت آنچه امام خمینی(ره) از اواخر دهه ۱۳۴۰ به بعد درباره ولایت‌فقیه مطرح کردند و تا زمان رحلت ایشان ادامه داشت و در نظام سیاسی جمهوری اسلامی هم عینیت یافت الگوی ولایت‌فقیه مبتنی بر نظام «موناشرشی ایدئولوژیک» بود. همین رویکرد را در نظریه «ولایت» آیت‌الله خامنه‌ای که در اوایل دهه ۱۳۵۰ در سلسله

گفتارهای «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» مطرح کردند نیز می‌توان یافت. این الگو به وضوح از ضرورت اینکه شخص فقیه باید حکومت را به دست بگیرد سخن می‌گوید. با این توضیح که امام خمینی(ره) در کتاب ولایت‌فقیه الگوی خویش را با رویکرد فقهی مطرح کرده بودند، درحالی که آیت‌الله خامنه‌ای با رویکرد کلامی و نظریه «امامت و امت» که بر رکن ولایت و امام جامعه استوار بود آن را بیان کردند. در نظریه و اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای یک نکته بسیار برجسته بود و آن تأکید ایشان بر عنصر «ایدئولوژی» در جامعه اسلامی بود. در میان روحانیان انقلابی ایشان را باید از جمله نیروهای فکری و مبارزی دانست که به طور ویژه شناخت عمیقی از «ایدئولوژی» داشتند و بدین جهت بسیاری از نظرات خود را براساس مفهوم ایدئولوژی تبیین می‌کردند. لذا نظریه «ولایت» آیت‌الله خامنه‌ای همان اصول اندیشه امام خمینی(ره) را براساس تقریری از نگاه کلام سبعی و با محوریت مفهوم ایدئولوژی تبیین می‌کرد. این نظریه تصریح داشت مهم‌ترین تکلیف یک جامعه شناخت «مام» خویش است. اساساً «جامعه اسلامی» زمانی به معنای واقعی پدید می‌آید که «مام» با آن ویژگی‌هایی که در فقه و کلام شیعه آمده است رهبری جامعه را برعهده بگیرد. در واقع از همینجا بود که ساختار نظام سیاسی بعدی تدوین می‌شد، یعنی از یک سو بر محوریت فرد امام و ولی جامعه قرار داشت که به لحاظ ساختاری خاصیت موناشرشیک می‌یافت و از

اعطای نشان فتح از سوی فرمانده کل قوا به فرماندهان عملیات بازداشت متجاوزان آمریکایی در خلیج فارس

## فتح این است

صفحه ۲



کامیل احمدی

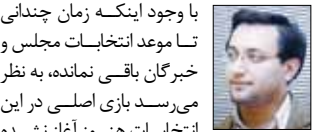
نیز به ولایت فقیه اعتقادی نداشته‌اند. به همین دلیل است که وی مدعی می‌شود پیشنهادهای ولایت فقیه به یکباره در پیش‌نویس قانون اساسی مجلس خبرگان قانون اساسی گنجانده می‌شود! هاشمی

رفسنجانی در تمام ادوار گذشته تلاش خود را کرده بود که الگوی ولایت‌فقیه را به الگوی روحانیت‌سالارانه تبدیل کند. البته باید توجه داشت که مطابق تعریف هاشمی این الگو با خاندان‌سالاری هماهنگ است و به لحاظ ماهوی نظام جمهوری اسلامی را تبدیل به نظامی الیگارشیکی می‌کند. به عبارت دیگر در اینجا روحانیت‌سالاری حتی به معنای صنفی هم مطرح نیست. یعنی این‌طور نیست که در روحانیت سازوکاری باشد که به طور سیستماتیک ورود آنان را به سیاست برنامهریزی و تسهیل کند. یعنی در مدل او ما به جای یک «روحانیت‌سالاری ایدئولوژیک» با «روحانیت‌سالاری الیگارشیکی» مواجهیم. لذا این مدل با داشتن ماهیت الیگارشیکی کاملاً خاصیت ضدصنفی دارد و مانع حضور روحانیت در فرآیند درست سیاست می‌شود. مطابق این نظر روحانیانی که در ادوار گذشته توانسته‌اند به الیگارشی و خاندان‌های قدرت تبدیل شوند باید به عنوان صاحبان اصلی قدرت تقسیم شوند و بدین ترتیب حکومت موناشرشی ایدئولوژیک به یک حکومت الیگارشی تبدیل شود. این دقیقاً همان روح اندیشه نوحفاظت‌کاری است که در یک سال اخیر به آن پرداخته شده است.

۱۰- روحانیت‌سالاری را باید نظریه‌ای برای دوران گذار دانست. این اندیشه مبتنی بر ۲ گام اصلی است: اول، گذار از ولایت فقیه به روحانیت‌سالاری که در قالب شورایی کردن صورت می‌گیرد و سپس دوران گذار از روحانیت‌سالاری به خاندان‌سالاری که در قالب تثبیت قدرت در میان همین خاندان‌ها و بستن راه بر روحانیان جوان‌تر و حوزه صورت می‌گیرد. لذا ایده روحانیت‌سالاری در اصل ضدروحانیتی و کاملاً الیگارشیکی و خاندان‌سالارانه تهیه شده است.

۱۱- پیگیری این نظریه به لحاظ قانونی کاملاً بسته است و در بن‌بست قرار دارد، زیرا قانون اساسی به طور کاملاً شفاف نظریه شورایی رهبری را رد کرده است و مشروع مذاکرات بازنگری قانون اساسی هم کاملاً نشاس می‌دهد با رد شدن این پیش‌نویس تنها نظریه فردی بودن ولی فقیه به رسمیت شناخته شده است. نتیجه آنکه معتقدان به این الگو برای محقق ساختن هدف خود ۲ راه بیشتر پیش رو ندارند؛ یا برای تغییر قانون اساسی از مجاری قانونی و به صورت مسالمت‌آمیز تلاش کنند، یا به رفتارهای رادیکال و ساختار شکنانه برای تغییر قانون اساسی توسل جویند.

ادامه در صفحه ۵



با وجود اینکه زمان چندانی تا موعد انتخابات مجلس و خبرگان باقی نمانده، به نظر می‌رسد بازی اصلی در این انتخابات هنوز آغاز نشده است. گمان من این است که مساله اصلی در این انتخابات نتیجه آن نیست. برای کسانی که تصور می‌کنند ایران را در یک مسیر اجبار راهبردی قرار داده‌اند، نتیجه اولویت دوم است. مساله اصلی برای آنها این است که این انتخابات چگونه که آنها می‌خواهند چارچوب‌بندی خواهد شد یا نه؟

این چارچوب‌بندی در واقع به این معناست که انتخابات در ایران به بخشی از راهبرد پس‌برجام آمریکا تبدیل شود. اگر فرض کنیم این راهبرد به طور خلاصه انقلاب‌زدایی ساختاری و رفتاری از ایران در ۲ محیط سیاست داخلی و سیاست خارجی است. آنگاه انتخابات مجلس زمانی در چارچوب مدنظر آمریکا قرار خواهد گرفت که چند اتفاق بیفتند:

۱- انتخابات در چارچوب دوقطبی برگزار شود که مطلوب آمریکاست. ظاهراً و آنگونه که کنش‌های هاشمی رفسنجانی به ما نشان می‌دهد انتظار غربی‌ها این است که این دوقطبی در سطح ساختاری شکل بگیرد.

۲- کسانی در این انتخابات روی کار بیایند، که مایل باشند با توافق هسته‌ای به مثابه یک مدل برخورد کرده و آن را به سایر حوزه‌های درگیری راهبردی ایران و غرب سرایت بدهند.

۳- شبکه همکار غرب در ایران تست شود. آمریکایی‌ها بویژه در ۲ سال و نیم گذشته که رفت و آمد به ایران و نشست و برخاست با افراد مختلف مرتبط با ایران در داخل و خارج، برای آنها بسیار آسان شده، شبکه‌ها در داخل کشور ایجاد کرده‌اند که مایلند بیندازند در یک صحنه واقعی همچون انتخابات مجلس تا چه حد کارآمد است و چه طیفی از اهداف را می‌تواند محقق کند.

۴- در نهایت این انتخابات از دید آمریکایی‌ها تست افکار عمومی در ایران است. با وجود حرف‌های به ظاهر توأم با اطمینانی که آمریکایی‌ها گاه دربارۀ وضعیت افکار عمومی در ایران می‌زنند، شواهد متنوعی هست که به ما می‌گوید مهم‌ترین ابهام آمریکا درباره صحنه داخلی ایران اکنون این است که دقیقاً نمی‌دانند مجموعه اتفاقات ۷/۵ سال گذشته از جمله برجام بالاخره کدام جریان سیاسی را در ایران تقویت کرده است. به این معنا از دید ناظران خارجی، انتخابات تولید نوعی خاصیت انکشافی برای آمریکا خواهد بود که درایند در آینده دقیقاً چه راهبردی را باید در قبال ایران در پیش بگیرد.

از این منظر، هم فضای که در آستانه انتخابات توسط گروه‌های سیاسی ساخته و دوقطبی‌های که خلق خواهد شد و هم نتیجه‌ای که در نهایت از صندوق‌ها بیرون خواهد آمد، یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های تعیین‌کننده سیاست آتی آمریکا و برخی دیگر از کشورهای منطقه در قبال ایران خواهد بود. از این رو، این انتخابات، در واقع یک ماشینی تولید اطلاعات راهبردی برای آمریکاست؛ براساس اطلاعاتی که در این انتخابات تولید خواهد شد آمریکا تصمیم خواهد گرفت چگونه با ایران رفتار کند، کدام گزینه‌ها را روی میز نگه دارد و کدام گزینه‌ها را از روی میز بردارد.

در مجموع بیش از ۲ حالت در آینده وجود نخواهد داشت؛ یک حالت این است که آمریکا و متحد متوهم آن در منطقه خاورمیانه یعنی عربستان سعودی به این نتیجه برسند که ساختارهای سیاسی در ایران متزلزل شده، اختلافات از حد مجاز فراتر رفته، مرزهای قانونی درنوردیده شده، جامعه در وضعیت هیجانی قرار گرفته و اراده‌های ساختار شکنانه دوباره جان گرفته است؛ در این صورت باید منتظر بود که آمریکا برای گرفتن حداکثر مقدار امتیاز از ایران تا می‌تواند فشارها را تشدید کند. بویژه اگر یک رئیس‌جمهور رادیکال در انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا سرکار بیاید و تصمیم بگیرد از ابزارهای تعبیه‌شده درون برجام به نحو سختگیرانه استفاده کند، آن وقت وضعیت می‌تواند به مراتب بدتر هم شود.

ادامه در صفحه ۵